

2607

۱۰۰۰  
۱  
۱۱۲  
بوستان کتاب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

www.ketab.ir

موسوی ابوسعیده، سیدحسین، ۱۳۲۰ -

میانی آموزه‌های تبارشناسی / سیدحسین موسوی ابوسعیده: ترجمه محسن دلیر. - قم:

مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۸.

۱۱۲ ص. - (مؤسسه بوستان کتاب؛ ۲۷۸۷) (حدیث و رجال؛ ۲۱۶. رجال؛ ۳۰)

ISBN 978-964-09-2002-2

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتاب‌نامه: ص. [۱۱۱] - ۱۱۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. سادات (خاندان) - تاریخ. ۲. نسب‌شناسی - جنبه‌های مذهبی - اسلام.

۳. نسب‌شناسی. الف. دلیر، محسن، ۱۳۵۴ - مترجم. ب. دفتر تبلیغات اسلامی

حوزه علمیه قم. مؤسسه بوستان کتاب. ج. عنوان.

۲۹۷/۹۸

۲۰۲۰/۵۲۰۷

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۵۵۹۷۰۷

۱۳۹۸

موضوع: رجال؛ ۳۰ (حدیث و رجال؛ ۲۱۶)

گروه مخاطب: تخصصی (طلاب، دانشجویان و پژوهشگران و اساتید حوزه و دانشگاه)

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۲۷۸۷

مسلسل انتشار (چاپ اول و بازچاپ): ۷۱۸۶

بوستان

# مبانی آموزه‌های تبارشناسی

آیة الله سید حسین موسوی ابوسعیده

ترجمه: دکتر محسن دلیر

www.ketab.ir  
۱۳۹۸

# بوستان کتاب

## مبانی آموزه‌های تبارشناسی

- نویسنده: آیه‌الله سیدحسین موسوی ابوسعیده • ترجمه: دکتر محسن دلیر
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب
- نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸ • شمارگان: ۱۰۰۰ • بها: ۱۶۰۰۰ تومان

تمامی حقوق نشر مکتوب و الکترونیک این اثر متعلق به مؤسسه بوستان کتاب است

Printed in the Islamic Republic of Iran

- ♦ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفاییه)، ص پ ۹۱۷ / ۳۷۱۸۵، تلفن: ۰۷-۲۱۵۵۰۳۷۷، ۳۷۷۴۲۱۵۴، تلفن پخش: ۳۷۷۴۴۲۲۶
  - ♦ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۲۰۰۰ تیرگ) کتابها، ۱۷۰ ناشر
  - ♦ فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، بین وصال و فلسطین، ۹۵، ۶۶۹۶۹۸۷۸
  - ♦ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه راسخ، تلفن: ۳۲۲۳۳۶۷۲
  - ♦ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهارراه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه ابن سینا، تلفن: ۳۲۲۲۳۷۰
  - ♦ فروشگاه شماره ۵ (رنگین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهدا، جنب خیابان خورشید، تلفن: ۳۷۷۲۳۱
- اطلاع از تازه‌های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، با ارسال شماره همراه خود به ۱۰۰۰۲۱۵۵ و یا مال است به:

سایت الکترونیک مؤسسه: E-mail: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: www.bustaneketab.com

با قدردانی از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

- اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب و سروراستار: ابوالفضل طریقه‌دار • ویراستار: محدثه حقیقی
- اصلاحات حروف نگاری: الهه‌سادات طباطبائی و زهرا امیدی • صفحه‌آرا: احمد مؤتمنی
- نمونه‌خوانی: محمدجواد مصطفوی • کنترل فنی صفحه‌آرایی: سیدرضا موسوی منش
- مدیر گروه هنری: مسعود نجابتی • طراح جلد: محمود هدایی
- اداره آماده‌سازی: حمیدرضا تیموری • اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی
- رئیس مؤسسه
- محمدباقر انصاری

## فهرست مطالب

۱۱	دیباچه
۱۵	مقدمه
۱۵	تبارشناسی در قرآن مجید
۱۹	تبارشناسی در نقل و عقل
۲۴	اطلاعات بایسته تبارشناسی

### مبنای آموزه‌های تبارشناسی

۲۹	مبنای اول
۳۰	مبنای دوم
۳۰	مبنای سوم
۳۲	مبنای چهارم
۳۳	مبنای پنجم
۳۵	مبنای ششم
۳۶	مبنای هفتم
۳۷	مبنای هشتم

## مبنای آموزه‌های تبارشناسی

۳۷	مبنای نهم
۳۸	مبنای دهم
۳۹	مبنای یازدهم
۴۰	مبنای دوازدهم
۴۱	مبنای سیزدهم
۴۲	مبنای چهاردهم
۴۳	مبنای پانزدهم
۴۳	مبنای شانزدهم
۴۴	مبنای هفدهم
۴۴	مبنای هجدهم
۴۵	مبنای نوزدهم
۴۶	مبنای بیستم
۴۷	مبنای بیست و یکم
۴۷	مبنای بیست و دوم
۴۹	مبنای بیست و سوم
۵۰	مبنای بیست و چهارم
۵۱	مبنای بیست و پنجم
۵۲	مبنای بیست و ششم
۵۳	مبنای بیست و هفتم
۵۴	مبنای بیست و هشتم
۵۶	مبنای بیست و نهم
۵۶	مبنای سی ام

## فهرست مطالب

۵۷	.....	مبنای سی و یکم
۵۸	.....	مبنای سی و دوم
۶۰	.....	مبنای سی و سوم
۶۱	.....	مبنای سی و چهارم
۶۱	.....	مبنای سی و پنجم
۶۲	.....	مبنای سی و ششم
۶۲	.....	مبنای سی و هفتم
۶۳	.....	مبنای سی و هشتم
۶۴	.....	مبنای سی و نهم
۶۶	.....	مبنای چهلم
۶۶	.....	مبنای چهل و یکم
۶۷	.....	مبنای چهل و دوم
۶۸	.....	مبنای چهل و سوم
۶۹	.....	مبنای چهل و چهارم
۶۹	.....	مبنای چهل و پنجم
۷۰	.....	مبنای چهل و ششم
۷۱	.....	مبنای چهل و هفتم
۷۱	.....	مبنای چهل و هشتم
۷۲	.....	مبنای چهل و نهم
۷۲	.....	مبنای پنجاهم
۷۳	.....	مبنای پنجاه و یکم
۷۳	.....	مبنای پنجاه و دوم

## مبانی آموزه‌های تبارشناسی

- ۷۵ ..... مبناى پنجاه و سوم
- ۷۵ ..... مبناى پنجاه و چهارم
- ۷۶ ..... مبناى پنجاه و پنجم
- ۷۷ ..... مبناى پنجاه و ششم
- ۷۷ ..... مبناى پنجاه و هفتم
- ۷۸ ..... مبناى پنجاه و هشتم
- ۷۹ ..... مبناى پنجاه و نهم
- ۸۰ ..... مبناى شصت و یکم
- ۸۰ ..... مبناى شصت و دویم
- ۸۱ ..... مبناى شصت و دویم
- ۸۱ ..... مبناى شصت و سوم
- ۸۲ ..... مبناى شصت و چهارم
- ۸۴ ..... مبناى شصت و پنجم
- ۸۵ ..... مبناى شصت و ششم
- ۸۵ ..... مبناى شصت و هفتم
- ۸۶ ..... مبناى شصت و هشتم
- ۸۷ ..... مبناى شصت و نهم
- ۸۷ ..... مبناى هفتادم
- ۸۸ ..... مبناى هفتاد و یکم
- ۸۸ ..... مبناى هفتاد و دویم
- ۸۹ ..... مبناى هفتاد و سوم
- ۹۱ ..... مبناى هفتاد و چهارم



## فهرست مطالب

۹۱	.....	مبنای هفتاد و پنجم
۹۳	.....	مبنای هفتاد و هشتم
۹۶	.....	مبنای هفتاد و نهم
۹۷	.....	مبنای هفتاد و دهم
۹۸	.....	مبنای هفتاد و یازدهم
۱۰۰	.....	مبنای هشتادم
۱۰۱	.....	مبنای هشتاد و یکم
۱۰۲	.....	مبنای هشتاد و دوم
۱۰۳	.....	مبنای هشتاد و سوم
۱۰۳	.....	تذکرات
۱۰۴	.....	تذکر نخست
۱۰۶	.....	تذکر دوم
۱۰۷	.....	تذکر سوم
۱۰۹	.....	تذکر چهارم
۱۱۰	.....	تذکر پنجم
۱۱۱	.....	کتاب نامه

## دیباچه

هر دانشی بیانی خاص خود را دارد که به عنوان قواعدی پایه‌هایش بر آن‌ها استوار و ساختارش روی آن‌ها افراشته می‌شود تا حکایت‌گر مضمون آن باشند. هر کس در فراگیری دانشی گام بردارد، نمی‌تواند به کُنه معنای مبانی آن بی‌ببرد و آن‌ها را تشخیص دهد، مگر این‌که مدّت زیادی از عمر خود را در تحصیل، تفکر و اندیشه در ورودی‌ها و خروجی‌های آن دانش، صرفه کرده باشد. دانش انسان هر قدر در موضوعی افزایش یابد، به همان میزان حیرت و تردیدهایش افزون می‌گردد تا این‌که نظر او گشوده از سوی او نتیجه عصاره جانش می‌شود. این علم - تبارشناسی - از دشوارترین و مشکل‌ترین علوم در روزگاران کهن و نوین در میان ملت‌هاست که در راه تدوین و تحصیل آن همت گماشته‌اند، زیرا معضلات و حالت‌های مختلفی دارد که هستی انسانیت بر آن بنا شده است و این نیست مگر آزمایش الهی برای گروهی از بشر که خدای متعال ایشان را برگزیده و آن‌ها را از زمانی که جوامع بشری پدید آمده تاکنون برای این کارهای مهم ذخیره ساخته است.

این جانب آثار گروهی بزرگ از تبارشناسان را خوانده، تدریس کرده و مورد پژوهش قرار داده و تطبیق و مقارنه کرده‌ام و به نقد و تحقیق و تصحیح آن‌ها پرداخته‌ام، ولی از قرون نخستین تاکنون (قرن پانزدهم) کسی را نیافتم که اقدام به گردآوری مبانی این علم کرده باشد، مگر برخی از ایشان که در آغاز کار خود به یک مبنا یا بخشی از آن و یا قسمتی از یک بخش اشاره کرده‌اند، اما نکته مورد اشاره آنان برای توده خوانندگان یا حتی برای کسانی که در آغاز تحصیل این علم هستند، به طور کامل روشن نیست. این آموزه‌ها هم‌چون مرواریدهایی بودند که باید کسی آن‌ها را از صدفشان استخراج می‌کرد.

با توجه به این که عموم دانشمندان، خصوصاً تبارشناسان، نیازمند این مبانی هستند، در اندیشه نوشتن این رساله عملی کوتاه فرورفتم که به یاری خدای سبحان بیشتر مبانی این دانش را در آن گرد آورم، سپس به روش دانشمندان قدیم، به شرح آن پرداخته، شبهات، مسائل و اشکالات واردشده بر آن را پاسخ گویم و مدرک‌های خود را برای این دانش یاد کنم که در واقع، همین‌ها مبانی من هستند که در این علم به آن‌ها تکیه زده‌ام.

امید که در پیش‌گیری از ورود کسانی که نفس، ایشان را فریب داده تا در این دانش از روی تعدی و بهتان و بدون دلیل به انساب هاشمی بپردازند، تأثیری داشته باشد، زیرا شماری از افرادی که هاشمی نبوده‌اند در دو دهه گذشته، بدون داشتن دلایلی ثابت و بدون پروا از خدای متعال خود را منسوب به نسب هاشمی کرده‌اند.

## دیباچه

به خواست خدا اگر این مبانی مورد بررسی افراد آگاه قرار گیرد، ایشان را یاری خواهد کرد و در دورساختن لغزش و پرده‌انداختن بر مشکلات و رفع سستی و توهم مؤثر خواهد بود و دانشجویان را به سلامت دین و عاقبت‌به‌خیری خواهد رساند.

در این نوشتار ۸۳ مبنای ارائه خواهد شد.

این نوشته، به یاری خدای متعال، مورد نیاز کسانی خواهد بود که در این دایره ضعیف هستند و اشخاص قوی نیز از آن بی‌نیاز نخواهند بود. در این فرصت از همه کارکنان کاردان مؤسسه بوستان کتاب برای آماده‌سازی و چاپ این اثر سپاس‌گزاری می‌کنم.

خدایا، تحیه‌ام بر توست، پس دانشی استوار را که به صلاح بندگان می‌دانی، به من الهام کن. یا ارحم الراحمین!

نجف اشرف

حسین ابوسعیده

کتابخانه عمومی اسناد ابوسعیده

۲۵ محرم ۱۴۳۱ هـ

## مقدمه

باید در پژوهش‌های علمی زیر دقت کرد تا به حجم داده‌های مرتبط دین عزیزمان با آموزه‌های نسب‌شناسی، پی برد.

### تبارشناسی در قرآن مجید

آموزه‌های تبارشناسی - علم انساب - از والاترین و بالاترین جایگاه‌ها برخوردار است و در تاریخ اسلام به عنوان یکی از علوم مهم به شمار می‌آید که خدای متعال آن را به مسلمانان اختصاص داده است؛ چنان‌که در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»<sup>۱</sup> ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. از آن‌رو از نشانه‌های اساسی این علم، تأثیر در گردهمایی و مجمع مسلمانان است که خیر دو جهان ایشان در آن است.

خدای متعال می‌فرماید: «وَ اٰخْتِلَافُ اَلْسِنَتِكُمْ وَ اَلْوَانِكُمْ»<sup>۲</sup> و

۱. حجرات، آیه ۱۳.

۲. روم، آیه ۲۲.

اختلاف و گوناگونی زبان‌ها و رنگ‌های شما. پدیدآمدن ملت‌ها و گونه‌گونی آنان و قبیله‌ها و زیرمجموعه‌های آن‌ها وابسته به تفاوت رنگ‌ها و زبان‌ها و گویش‌های ایشان است و راهی برای روشن ساختن تفاوت میان آنان وجود ندارد، مگر با شناخت تبار و انساب ایشان.

شناخت و تشخیص فرزندان و نوادگان نیز جز با همین آموزه‌ها امکان ندارد؛ چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ...»<sup>۱</sup> فرزندان که برخی از برخی دیگر هستند...؛ یعنی بعضی از ایشان فرزندان برخی دیگر هستند.

هم‌چنین می‌فرماید: «وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً...»<sup>۲</sup> و از همسرانتان، فرزندان و نوادگانی پدید آورد... .

برخی از مفسران گفته‌اند: حفده، یعنی فرزندان فرزندان.<sup>۳</sup> اعراب وقتی مناسک حج را به پایان می‌رساندند، در بازار عکاظ گرد هم می‌آمدند و انساب خود را بر حاضران ارائه می‌دادند و این کار را کامل‌کننده حج و عمره به شمار می‌آوردند، به همین دلیل خدای متعال می‌فرماید:

«فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا»<sup>۴</sup>

۱. آل عمران، آیه ۳۴.

۲. نحل، آیه ۷۲.

۳. شیخ طوسی، تفسیر تبیان، ج ۶، ص ۴۶.

۴. بقره، آیه ۲۰۰.

پس هنگامی که مناسک - حجتان - را به پایان رساندید، خدا را یاد

کنید؛ آن گونه که پدرانتان را یاد می‌کنید یا بهتر و بیشتر از آن.

انتساب به پیامبران نیز شرف و فضیلتی به شمار می‌آید که باید اعلان شود، زیرا خدای متعال این نسبت را با شرف نبوت همراه ساخته است که اگر این جایگاه، والا نبود، خدای متعال آن را قرین و همراه شرافت نبوت نمی‌کرد:

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ  
مَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ؛<sup>۱</sup>

اینان کسانی از پیامبران بودند که خدا به آنان نعمت داد، از نسل آدم و از نسل کسانی که با نوح در کشتی سوار کردیم و از نسل ابراهیم و اسرائیل.

این آیه، آشکارا نشان‌دهنده شرافت آموزه‌های تبارشناسی و وجوب حفظ و توجه به آن‌هاست. اما درباره نسب پیامبر، قرآن اهمیت قابل توجهی به آن داشته، چنان‌که در ادامه خواهید دید.

خدای متعال می‌فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي

الْقُرْبَى»؛<sup>۲</sup> ای پیامبر بگو: از شما - در برابر ابلاغ رسالتم - هیچ پاداشی جز مودت نزدیکان - یعنی اهل بیتم - نمی‌خواهم.

گروهی از مفسران که سعیدبن جبیر از جمله ایشان است، بر این باور هستند که معنای آیه، خویشان رسول خدا ﷺ و حفظ حقوق ایشان و دوست داشتن اهل بیت رسول خدا ﷺ است.

۱. مریم، آیه ۵۸.

۲. شوری، آیه ۲۳.

از نظر ما خویشان به وجه خاص، همان رسول خدا ﷺ، علی، فاطمه زهرا، حسن و حسین علیهم‌السلام هستند.

حاکم در کتاب مستدرک با اسناد خویش از انس بن مالک انصاری از پیامبر ﷺ نقل کرده است: «ما فرزندان عبدالمطلب سادات بهشتیان هستیم: من، حمزه، جعفر، علی، حسن، حسین و مهدی».<sup>۱</sup>  
از رسول خدا ﷺ نقل شده است:

بهشت بر کسی که به اهل بیت من ظلم کند و با آزار عترتم مرا آزار دهد، حرام است و کسی که در حق یکی از فرزندان عبدالمطلب، خوبی انجام دهد که پاداش آن را نگیرد، فردا زمانی که در روز قیامت مرا ملاقات کند، به او پاداش خواهم داد.<sup>۲</sup>

به نظر ما و بسیاری از صاحب نظران، خویشان پیامبر ﷺ همان کسانی هستند که صدقه بر آن‌ها حرام است و خمس در میان ایشان تقسیم می‌شود و فرزندان هاشم و عبدالمطلب هستند.

خدای متعال می‌فرماید:

«وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَيِلَىٰ رَسُولٍ وَّ لِذِي الْقُرْبَىٰ»<sup>۳</sup>

و بدانید هر چیزی را که به عنوان سود به دست آورید، یک پنجم آن برای خدا و خویشان پیامبر است.

۱. حاکم، مستدرک، ج ۳، ص ۲۱۱ و ابن مغازلی، مناقب علی، ص ۹۹.

۲. مولوی هندی، وسیلة النجاة، ص ۵۵.

۳. انفال، آیه ۴۱.



هم چنین می فرماید: «وَأَتِذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ»<sup>۱</sup> و حق خویشاوندان را بپرداز.

رئیس المحدثین، ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق در کتاب *خصال* با اسناد خویش از داود بن سلیمان از علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدرانش نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

می در روز قیامت از چهار نفر شفاعت می کنم، حتی اگر با گناهان عمده بر زمین آمده باشند: یاور خاندانم، کسی که نیازهای ایشان را در هنگامی که مضطر هستند، برآورده کند، کسی که با قلب و زبانش ایشان را دوست داشته باشد و کسی که با دستش از ایشان دفاع کند.<sup>۲</sup>

براین اساس، افتخار رسیدن به این مراتب عالی نصیب ما نخواهد شد، مگر این که تبار آل البیت علیهم السلام را بشناسیم و این گونه اهمیت آموزه های تبارشناسی برای ما از قرآن مجید آشکار می شود.

### تبارشناسی در نقل و عقل

امت اسلامی، نخستین امتی نیست که به آموزه های تبارشناسی اهمیت داده، بلکه یهودیان و مسیحیان اهل کتاب به دلیل آگاهی شان از اهمیت و عظمت این دانش، برای گردآوری و آموختن فنون آن کوشیده اند.

۱. اسراء، آیه ۲۶.

۲. شیخ صدوق، *خصال*، باب چهارم، حدیث اول.

هم‌چنین از آن‌جا که این آموزه‌ها موجب الفت و نیرومندی جوامع و ایجاد برادری اهالی آن‌ها هستند، نشانه‌ای از نشانه‌های عرب و معروف به علم ایشان شد. این مطلب از توصیه‌های رسول خدا ﷺ روشن می‌شود که فرمود: «تعلّموا انسابکم تصلّوا (لتصلّوا) ارحامکم»<sup>۱</sup> تبار خود را بیاموزید تا صله رحم کنید.

شیخ طوسی در کتاب *مالی* با اسنادش از *واصله بن الاصقع* نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند اسماعیل را از فرزندان ابراهیم و کنانه را از فرزندان اسماعیل برگزید و از کنانه، قریش را و از قریش بنی هاشم را و از بنی هاشم، مرا انتخاب کرد».<sup>۲</sup>

از این حدیث - که حدیث با عبارت «إن الله اصطفی...» شروع و «حدیث اصطفای» نامیده می‌شود - چنین برداشت شده که عبارت «اصطفای من بنی هاشم...» مرا از بنی هاشم برگزید، چنان‌که قریش را از فرزندان اسماعیل برگزیده، بالاترین فضیلت است و بالاتر از آن فضیلتی نیست؛ از این رو رسول خدا ﷺ فرمود: «کل سبب و نسب منقطع یوم القيامة الا سببی و نسبی»<sup>۳</sup> هر سبب و نسبی در روز قیامت قطع می‌شود، جز سبب و نسب من.

موضع مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در برابر دانش تبارشناسی، با بررسی سخنان معصومین علیهم‌السلام آشکار می‌شود:

۱. ر.ک: سیوطی، *جامع‌الصغیر*، ص ۱۱.

۲. شیخ طوسی، *مالی*، ج ۱، ص ۲۵۱. هم‌چنین این روایت را حافظ بیهقی در *سنن کبری*، ج ۷، ص ۱۳۴ با واژه «وائله» نقل کرده و گفته که مسلم در صحیح خویش آن را از حدیث اوزاعی نقل کرده است.

۳. حاکم حسکانی، *شواهد التنزیل*، ج ۱، ص ۴۰۷.

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده که فرمود:

سلونی قبل أن تفقدونی، ألا تسألون من عنده علم المنايا و البلیا  
و الانساب؛<sup>۱</sup>

پیش از آن که مرا از دست دهید از من پرسید، آیا از کسی که دانش  
زمان مرگ‌ها و بلاها و انساب را دارد، نمی‌پرسید؟!

هم‌چنین آن حضرت علیه السلام فرمود: «ویژگی‌هایی به من داده شده که  
آن‌ها را کسی پیش از من نداشته است: دانش دانستن زمان مرگ‌ها،  
بلاها، انساب و فصل الخطاب».<sup>۲</sup>

هم‌چنین از آن حضرت علیه السلام روایت شده که فرمود: «به ما اهل بیت  
علم منایا (زمان مرگ‌ها)، بلاها و انساب داده شده است».<sup>۳</sup>

از امام رضا علیه السلام نقل شده که برای عبدالله بن جنید نوشت:  
«اما بعد... ما امانت‌داران خدا روی زمین او هستیم. دانش زمان  
مرگ‌ها، بلاها، انساب عرب و کسانی که در اسلام به دنیا می‌آیند، نزد  
ماست».<sup>۴</sup>

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «علم بلاها و زمان

۱. این روایت را علامه مجلسی رحمته الله از *بصائر الدرجات* با اسنادش از عبدالله بن ربیع نقل کرده

که گفته است: شنیدم علی علیه السلام می‌فرمود: ... بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۳۶.

۲. ثقة الاسلام، شیخ کلینی رحمته الله با اسنادش از مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام در

حدیثی طولانی روایت کرده که فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار می‌فرمود: ... کافی، ج ۱،  
کتاب الحجّة، باب الائمة آرکان الارض، حدیث اول.

۳. علامه مجلسی رحمته الله این روایت را در *بحار الانوار* از *بصائر الدرجات* با اسنادش از ابن نباته

نقل کرده که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود: ... بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۴۷.

۴. همان، ج ۲۶، ص ۱۴۶.

مرگ‌ها و وصایا (وصیت‌ها) و انساب و اسباب نزد من است»<sup>۱</sup>. این مطالب جایگاه آموزه‌های تبارشناسی را در سنت نبوی و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام روشن ساخت. جایگاه تبارشناسی از نظر عقل با دیدن توجه گسترده دانشمندان گذشته و اهمیت دادن ایشان به آن، مشخص می‌شود. آنان این علم را هم‌سنگ آموزه‌های فقهی و دیگر دانش‌ها قرار می‌دادند و درباره آن کتاب‌های مختصر و مفصل و مسرط و شجره‌نامه می‌نوشتند.

همه این تلاش‌ها برای پرداخت و دریافت ارث، دیه عاقله<sup>۲</sup> و خمس در جایگاه‌های صحیح آن‌ها بوده است، زیرا اگر دانش تبارشناسی نبود، تقسیم ارث بین طبقات وارثان یا هزینه‌کردن خمس در جایگاه صحیح بسیار سخت می‌شد.

برای آگاهی از میزان اهمیت این آموزه‌ها و توجه دانشمندان به این علم، لازم است سخنان ایشان را در این باره بدانیم که برای نمونه به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

ابن اثیر در کتاب *لباب* گفته است: «این علم از دانش‌هایی است که هر جوینده علمی به آن نیاز دارد و کسی که به ادب و فضیلت رغبت داشته باشد، ناچار باید به آن تکیه کند»<sup>۳</sup>.

۱. همان، ج ۲۶، ص ۱۴۸.

۲. خویشان مذکور بالغ شخص از طرف پدر است که منحصر در برادرانش و برادران پدرش (عموهایش) و فرزندان آنان و نسل‌های پایین‌تر ایشان می‌شود. آن‌ها باید با هم در پرداخت دیه با تساوی همکاری کنند و براساس فقر و موارد دیگر تفاوتی میان ایشان وجود ندارد. کودک نابالغ و دیوانه و زن جزو عاقله نیست.

۳. عبیدلی، تهذیب/الانساب، ص ۲۱.

ابن حزم - در گذشته به سال ۴۵۶ هـ - گفته است: «بر همین اساس مسلم می شود که دانش تبارشناسی، علمی بزرگ و والاست، چون به وسیله آن، شناخت هم دیگر انجام می شود...»<sup>۱</sup>.

ابن فندق - در گذشته به سال ۵۶۵ هـ - گفته است: «اگر دانش تبارشناسی نبود، حکم ارث و حکم عاقله، که دو رکن از ارکان شرع هستند، از بین می رفت و انسان اسبش را از استرش و کسی را که از او ارث می برد از کسی که از او ارث نمی برد، نمی شناخت»<sup>۲</sup>.

ابن ططقی گفته است: «نگاشته نسب شناس، نوشته هایی هستند که وقتی نگارنده آن ها بخواهد تبدیل به گواهان اصلی می شود، در حالی که خط نوشته های قاضیان پس از مرگ نویسندگان آن ها، برای ثابت شدن، به شهادت افراد عادل نیاز دارد»<sup>۳</sup>.

با این عبارات موضوعات بسیار و بزرگان در برابر آموزه های تبارشناسی توصیف شد که اگر در صدر اولویت ها نبود، به این جایگاه بلند نمی رسید.

براین اساس، باید قاعده هایی عمومی برای آن تعیین شوند تا با تکیه به آن ها، نتیجه مؤثر در بنای جامعه به دست آید؛ چنین قاعده هایی، پایه های علمی این دانش هستند که جایگاهشان، جایگاه

۱. ابن حزم، *جمهرة انساب العرب*، ص ۲.

۲. مؤلف در این جا از صنعت کنایه استفاده کرده است و مراد او ممکن نشدن تشخیص بین محرم و نامحرم و حرام و حلال در ازدواج بوده است. (رک: بیهقی، *لباب الانساب*، ج ۱، ص ۱۹۶).

۳. ابن ططقی، *الاصیلی*، ص ۲۷.

دیگر علوم انسانی است و ما آن‌ها را «مبانی آموزه‌های تبارشناسی» نامیدیم.

این نخستین گام در نوع خود در پانزده قرن گذشته است؛ منبعی علمی برایش مقرر ساختیم تا سودش شامل همه طبقات شود.

### اطلاعات بایسته تبارشناسی

پیش‌تر اطلاعات فراوانی عنوان شد که هر مسلمانی را ضرورتاً ملزم به شناخت عاملی می‌سازد که او را در تطبیق آن یاری داده و با آن از عهد تکلفی که شارع بر گردنش گذاشته، برمی‌آید؛ این عامل یاری‌رسان همان دانش تبارشناسی است که فراگیری‌اش بر هر مکلفی متعین است. بنابراین، باید توضیحات زیر ارائه شود:

از آنچه بیان شد، معلوم می‌شود که تقسیم ارث در شناخت طبقات وارثان، وابسته به آگاهی از علم نسب است و در باب دیه خطایی که دیه از عاقله - خویشان پدری - گرفته می‌شود، شناخت ایشان به دانستن نسب نیاز دارد.

هم‌چنین برای هزینه‌کردن خمس در محل آسایشی به شناخت کامل دودمان هاشمی و تشخیص آنان از دیگران است؛ چنان‌که ابزار شناخت دوسویه و وحدت اجتماعی پدیدآمده با مطالبی است که در آن‌ها را واجب ساخته است، تحقق نخواهد یافت، مگر با شناخت دانش آموزه‌های تبارشناسی و تطبیق داده‌هایش و توجه برای استوارسازی آن با هدف تصدیق و تأیید توصیه‌هایی که در کتاب و سنت آمده است. خدای سبحان شناخت دوسویه مردم از تبارشان را

به عنوان هدف آفرینش معرفی کرده و به همین دلیل، ایشان را به ملت‌ها و قبیله‌ها تقسیم فرموده و ملزم به شناخت ساخته است؛ آن‌جا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»<sup>۱</sup> ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید.

از روزگاران قدیم تاکنون در جامعه‌های اسلامی کسانی پیدا شده‌اند که به دروغ و بهتان ادعای هاشمی بودن کرده‌اند و به سهولت نسب سدها نفر که گستردگی زیادی دارند، تبدیل به نسب نبوی شده است، در حالی که قرن‌ها مشهور است که از سادات نیستند. چه کسی از چنین اوضاعی بیش‌گیری و جلوگیری خواهد کرد؟

از این‌جا ضرورت استوار ساختن این علم و نقش دانشمندان در این باره آشکار می‌شود تا از ورود افراد متجاوز جلوگیری کرده و جامعه برای طرد ایشان آگاه شود و به مسیر رشد بازگردد. بنابراین، فتوا و ابراز نظر تبارشناسان نقش مهمی در پیشرفت جامعه و گمراه‌نشدن مردم ایفا می‌کند که این ابزار بدون این علم، تحقق‌ناپذیر است.

پیدا است تأیید این ابزار نیاز به آگاهی عمیق از آموزه‌های تبارشناسی دارد که حقیقت زندگی تا زمانی که با حالت‌های پیشین به صورت واقعی و صحیح ارتباط نیابد، اصلاح نخواهد نشد. این مطلب، حقیقتی را آشکار می‌سازد که از آن بی‌نیاز نیستیم و آن، کلید چهار حالت مهم و همان دانش «تبارشناسی» است.

۱. حجرات، آیه ۱۳.

البته آموختن این دانش بر همه واجب تعیینی است، اما که تحصیل آن برای همه از مشقت‌بارترین کارهاست و امکان‌پذیر نیست و یک نوع کار محال به شمار می‌رود؛ مگر برای کسانی که خدای متعال ایشان را از قرن نخست هجری ویژه ساخته و به این کار مهم اختصاص داده است و این‌گونه واجب عینی تبدیل به واجب کفایی می‌شود؛ یعنی اگر یکی از مسلمانان در هر جامعه‌ای آن را بر عهده گرفت، از دیگران ساقط می‌شود و باید از او پیروی کنند و جایگاه وی را به رسمیت بشناسند. این‌گونه است که تأثیر فتوای تبارشناس، همانند دیگر فتوای فقهی و حتی مهم‌تر می‌شود.

با توجه به اهمیت تبارشناسی، در قرن‌های گذشته شرایطی برای دانشمندان این علم تعیین شده که واجب است هر کس مدعی دارا بودن این دانش است، آن شرایط را داشته باشد و اگر شرایط مزبور با او منطبق شود، زندگی‌اش همواره بر خطی مستقیم که خدا در قرآن مجید فرموده، سپری خواهد شد.

در این مقدمه مختصر به پرسش‌های مهم زیر پاسخ دادیم که ممکن است اندیشه مسلمانان را مشغول سازد:

آیا فراگرفتن آموزه‌های تبارشناسی بر همه لازم است؟  
پاسخ: بله.

آیا فتوای تبارشناس همانند دیگر فتوای فقهی است؟  
پاسخ: آری و حتی مهم‌تر از آن‌هاست.

اگر هیچ‌کس عهده‌دار فراگیری آموزه‌های تبارشناسی نشود، آیا این کار بر همه مسلمان واجب است؟



پاسخ: آری.

آیا فراگیری آموزه‌های تبارشناسی واجب کفایی است؟  
پاسخ: بله، به شرطی که دانشمند جامع شرایط عهده‌دار این کار  
شود، وگرنه موجب مشکلات و به‌مشقت‌افتادن مردم می‌شود و  
خداوند کسی را جز به میزان توانایی‌اش مکلف نساخته است.